

ردیف	Doyle, Robby
تاریخ تولد	1968
محل تولد	ایالات متحده آمریکا
محل زندگی	ایالات متحده آمریکا
شغل	نویسنده، مترجم
موضوع	تاریخ، فرهنگ
زبان	انگلیسی
ژانر	تاریخ، فرهنگ
موضوع	تاریخ، فرهنگ
موضوع	تاریخ، فرهنگ
موضوع	تاریخ، فرهنگ
موضوع	تاریخ، فرهنگ

رادی دوایل ترجمه‌ی آرزو مختاریان

Copyright © Robby Doyle, 2011

این کتاب را می‌توانید از فروشگاه اینترنتی آرزو مختاریان به آدرس www.ofoqco.com خریداری کنید. همچنین می‌توانید به آدرس info@ofoqco.com با ما تماس بگیرید.

گاو‌بازی

۷ / قیمت
 ۲۱ / حکمی
 ۲۷ / برده
 ۶۳ / جوک
 مراسم تشییع جنازه / ۷۷
 بقیع / ۱۰۵
 سنگ / ۱۱۲
 بهانه‌ها / ۱۳۷



www.ofoqco.com
 info@ofoqco.com
 ۰۲۱۷۷۰۱۰۰۰

این کتاب را می‌توانید از فروشگاه اینترنتی آرزو مختاریان به آدرس www.ofoqco.com خریداری کنید. همچنین می‌توانید به آدرس info@ofoqco.com با ما تماس بگیرید.

۱/۵ ناشر: آرزو مختاریان
 این کتاب را می‌توانید از فروشگاه اینترنتی آرزو مختاریان به آدرس www.ofoqco.com خریداری کنید. همچنین می‌توانید به آدرس info@ofoqco.com با ما تماس بگیرید.

۲۰۰۲ / سال چاپ

www.ofoqco.com

نقاھت

۷ / نقاھت

۲۱ / عکس

۳۷ / برده

۶۳ / جوک

۷۷ / مراسم تشييع جنازه

۱۰۵ / بشقاب

۱۱۷ / سگ

۱۳۷ / حيوانات

۱۵۵ / گاوبازی

۱۸۷ / خواب

کہ روز اول رفت، بالای خیابان مالاہاید.

ہاناہو پیادہ روی می کند.

سگ کہ مُرد، بچہ‌ها غمگین شدند، ولی نہ آن قدر کہ بروند بیرون زیر باران و قبر بکنند. سگ سال‌ها بود جان می کند؛ بچہ‌ها بیشتر وقت‌ها بیرون از خانہ بودند. کار خود ہاناہو بود.

از فلکہ‌ی آرتین شروع می کند، پشتش بہ شہر و رویش بہ مالاہاید.

شروع می کند.

می خواست صبر کند باران بند بیاید، ولی کار درستی نبود. چند روز ہم بود باران می آمد. برای ہمین توی تاریکی زمین را کند. کاژ سادہ بود، زمین خیس شدہ بود. بیل قشنگ فرو می رفت. یک خرگوش بیرون آورد. زیر نور چراغ قوہ دیدش. اسکلت بود. خرگوش را سال‌ها قبل چال کردہ بود؛ قبل از سگ، بعد از ماہی قرمز.

دہ دقیقہ طول می کشد تا برسد بہ فلکہ‌ی آرتین ولی آن را حساب نمی کند. پیادہ روی وقتی شروع می شود، ورزش وقتی شروع می شود کہ رسیدہ باشد نبش جادہ‌ی آردلا و مالاہاید؛ پیادہ روی شروع می شود، ورزش شروع می شود.

می خواست قضیہ‌ی خرگوش را بہ بچہ‌ها بگوید. برگرداندش تو، انداختش روی سگ. می خواست فردا صبحش قضیہ‌ی خرگوش را بہ شان بگوید، قبل از کار و مدرسہ. تنها وقتی بود کہ ہمہ شان با ہم خانہ بودند. ولی حالا ہمین طور کہ راہ می رود یادش می آید کہ ہیچ وقت حرفی بہ شان نزد و اینکہ خرگوش را پرت نکرد، بیل را برد زیرش و سُرش داد روی سگ. یادش رفت بہ شان بگوید. فکر می کند یادش رفت. خودش ہم مطمئن نیست.

جاہای دیگری ہم هست کہ پیادہ روی کند. خیلی جاہا هست.

پیادہ روی می کند. ہر روز پیادہ روی می کند. دکتر گفتہ بود. تمام دکترها گفتہ بودند. گفتہ بودند ورزش زیاد. تنها چیزی کہ خوب فهمیدہ بود ہمین بود.

- اہل گلف ہستید آقای ہاناہو؟

- نہ.

- تپہ نوردی؟

- نہ.

- سگ را می برید پیادہ روی؟

- سگ ندارم.

- سگ را چند سال پیش، توی حیاط پشتی، چال کردہ بود.

- باید بگیریم تان بہ ورزش.

- بسیار خب.

حالا ہر روز پیادہ روی می کند، یکشنبہ‌ها ہم. از سگہ خوشش نمی آمد، فقط وقتی خوشش می آمد کہ سگہ ہنوز تولد بود و بچہ‌ها ہم کوچک تر بودند. همان مسیر را پیادہ روی می کند. ہر روز همان مسیر، همان مسیری